

The Influence of Bank's Knowledge about of the Borrowing Company Internal Audit Function on Lending Decisions

Vahid Mennati¹ | Hamidreza Ganji² | Sepideh Fakhri³

Research Paper

Received:
08 December 2023
Accepted:
14 March 2024



Abstract

Theoretically, it is Expected that the Existence of a Powerful Internal Audit Function (IAF) will Strengthen Internal Controls and, as a Result, Increase the Reliability of Financial Reporting. Hence, it is Expected that Banks and Credit Institutions will be Encouraged to Lend when the Company has a Powerful IAF. For this Reason, Lending Decisions can be Influenced by the Existence and strength (quality) of the borrower's IAF. In this Regard, the Purpose of this Study is to Investigate the Influence of Bank's Knowledge about of the Borrowing Company IAF on Lending Decisions. For this Purpose, all Branches of banks listed in Tehran stock Exchange & Iran Fara Bourse in Tehran were Studied in 2023. A Questionnaire was Used to Collect Research Data. After Distributing the Questionnaire, Finally 145 Responses were Collected. The Mann-Whitney test (U test) was Used to Analyze the data. The Findings of the Research Showed that the Presence of the IAF has a Positive and Significant Influence on Lending Decisions. A More Detailed Analysis Showed that the age of the IAF, Having an Approved Internal Audit Plan, Reporting to the Audit Committee and the Board of Directors Versus to the Executive, the Use of Audit Software, Training Courses Held for Internal Audit Staff, Auditors' Professional Certificates, the Average Experience the IAF's Auditors has a Positive and Significant Influence on Lending Decisions. The Findings did not Show a Significant Relationship between the Number of Reports Issued by the IAF and the Number of IAF's Auditors and Lending Decisions.

Keywords: Internal Audit, Lending Decisions, Internal Audit Quality.

1. Corresponding Author: Assistant professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. v_menati@sbu.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.
3. Masters, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.



تأثیر آگاهی مؤسسات اعتباری از واحد حسابرسی داخلی متقاضی بر تصمیمات وام‌دهی

وحید منتی^{۱*} | حمیدرضا گنجی^۲ | سپیده فخری^۳

چکیده

از لحاظ نظری انتظار می‌رود که وجود واحد حسابرسی داخلی قدرتمند، باعث تقویت کنترل‌های داخلی شود و در نتیجه قابلیت اتکای گزارشگری مالی را افزایش دهد. از این رو انتظار می‌رود که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری زمانی که متقاضی وام دارای واحد حسابرسی داخلی قوی هستند، برای اعطای تسهیلات تشویق شوند. به این سبب، تصمیمات وام‌دهی می‌تواند تحت تأثیر وجود و قدرت واحد حسابرسی داخلی وام‌گیرنده قرار گیرد. در همین راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آگاهی مؤسسات اعتباری از واحد حسابرسی داخلی متقاضی بر تصمیمات وام‌دهی است. جامعه آماری این پژوهش، تمامی شعب بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران در سطح شهر تهران در سال ۱۴۰۲ هستند. برای گردآوری داده‌های پژوهش، از پرسش‌نامه استفاده شد. پس از توزیع پرسش‌نامه، در نهایت تعداد ۱۴۵ پاسخ دریافت شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون من - ویتنی (آزمون U) استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که وجود واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبت و معناداری دارد. تحلیل‌های دقیق‌تر نشان داد که قدمت واحد حسابرسی داخلی، داشتن برنامه مصوب حسابرسی داخلی، گزارش به کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره نسبت به مدیران اجرایی، کاربست نرم‌افزارهای حسابرسی، دوره‌های آموزشی برگزار شده برای کارکنان حسابرسی داخلی، گواهینامه‌های حرفه‌ای حساب‌رسان داخلی و میانگین سابقه کار کارکنان شاغل در واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبت و معناداری دارد. یافته‌ها، ارتباط معناداری میان تعداد گزارش‌های صادره واحد حسابرسی داخلی و تعداد کارکنان شاغل در واحد حسابرسی داخلی و تصمیمات وام‌دهی مؤسسات اعتباری را نشان نداد. **کلیدواژه‌ها:** حسابرسی داخلی، تصمیمات وام‌دهی، کیفیت حسابرسی داخلی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

v_menati@sbu.ac.ir

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

از سال ۲۰۰۲ در آمریکا در پی رسوایی‌های مالی به منظور حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، گزارشگری کنترل‌های داخلی برای ذی‌نفعان در کنار گزارشگری مالی بیش‌ازپیش اهمیت پیدا کرد و ارائه آن الزامی شد (ساکس، ۲۰۰۲). به تبعیت از آن، این رویه در سال ۱۳۹۱ نیز به موجب دستورالعمل کنترل‌های داخلی، برای ناشران بورسی و فرابورسی ایرانی نیز الزامی شد. این موضوع نشان می‌دهد که ارائه اطلاعات درباره کنترل‌های داخلی برای استفاده‌کنندگان اهمیت بسزایی دارد و بانک‌ها و اعتباردهندگان یکی از کاربران اصلی گزارشگری مالی هستند. واحد حسابرسی داخلی به‌عنوان یکی از واحدهای کنترل داخلی در کنار واحدهای رعایت قوانین و مقررات (تطبیق) و واحد ریسک، برشمرده شده است (چو، ۲۰۱۵). در مدل سه خط دفاعی انجمن حساب‌رسان داخلی (۲۰۱۳) واحد حسابرسی داخلی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی و سپرهای حفاظتی و لایه آخر در نظر گرفته شده است. از بحران مالی سال ۲۰۰۸، شرکت‌ها به طور فزاینده‌ای بر چگونگی ارتقا تمامی اشکال مدیریت ریسک تکیه کرده‌اند؛ برای مثال، مؤسسه حسابرسی دیلویت در سال ۲۰۱۵ گزارش کرده است که در ۹۲ درصد شرکت‌های نمونه دارای برنامه مدیریت ریسک ویژه‌ای هستند که این نسبت در سال ۲۰۰۸ تنها ۵۹ درصد بوده است (کارسلو و همکاران، ۲۰۲۰).

پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند مدیریت ریسک، ارزش شرکت را افزایش می‌دهد، کارکرد عملیاتی شرکت را بهبود می‌بخشد و مزایای راهبردی ایجاد می‌کند. پژوهش‌های نسبتاً کمی درباره اینکه چه فرایندهای مدیریتی می‌توانند مدیریت ریسک در سازمان‌ها را بهبود بخشند، وجود دارد (کارسلو و همکاران^۱، ۲۰۲۰) در پژوهش‌های داخلی نیز منتی و برزگری (۱۴۰۲) نشان دادند که حسابرسی داخلی به کاهش ریسک ادراکی می‌انجامد.

طبق تعریف ارائه شده در استانداردهای حسابرسی داخلی، حسابرسی داخلی با اتخاذ رویکردی منظم و روشمند به سازمان کمک می‌کند تا به اهداف خود دست یابد و فرایندهای اثربخشی مدیریت ریسک، کنترل‌ها و حاکمیت شرکتی را بهبود بخشد (انجمن حساب‌رسان داخلی^۲، ۲۰۱۶).

1. Carcello et al.
2. Institute of Internal Auditors (IIA)

همان‌طور که از تعریف بالا پیداست یکی از وظایف حسابرسی داخلی بهبود فرایندهای مدیریت ریسک در سازمان است. حسابرسان داخلی با ارائه خدمات اطمینان‌بخشی درباره گزارشگری مالی، عملیات و موضوعات رعایتی برای سازمان ارزش‌افزایی می‌کنند (گراملینگ، ۲۰۰۴). طبق چارچوب یکپارچه کنترل داخلی کوزو (کوزو، ۱۹۹۲ و ۲۰۱۳) کنترل‌های داخلی دارای اهداف «رعایتی»، «گزارشگری» و «عملیاتی» هستند؛ یعنی کنترل‌ها اطمینان می‌دهند که قوانین و مقررات رعایت می‌شود، گزارشگری (مالی و غیرمالی) قابل‌اتکا است و عملیات کار و اثربخش اجرا می‌شود. طبق این چارچوب، واحد حسابرسی داخلی جزئی از نظام کنترل داخلی است (جز نظارت) که بر آن نظارت می‌کند و از طریق ارزیابی مستمر و ارائه پیشنهاد بهبود، به ارتقای آن می‌انجامد. حسابرسی داخلی به‌عنوان یکی از سازوکارهای اصلی نظام حاکمیت شرکتی تلقی می‌گردد که بر کنترل‌های داخلی نظارت می‌کند و هیئت‌مدیره را در ایفای وظایف نظارتی است، یاری می‌رساند (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۱۷). پژوهش‌های قبلی از تعریف و اهداف کنترل‌های داخلی کوزو (۲۰۱۳) پشتیبانی کرده‌اند و نشان داده‌اند که شرکت‌هایی که کنترل‌های داخلی قوی‌تری دارند، قوانین و مقررات را بهتر رعایت می‌کنند، عملکرد مالی و سهام قوی‌تری دارند و کیفیت گزارشگری مالی بالاتری دارند (چالمرز و همکاران، ۲۰۱۸). وام‌دهندگان به دنبال آن هستند که صورت‌های مالی وام‌گیرنده قابل‌اتکا باشد. تا بر اساس صورت‌های مالی قابل‌اتکا، سلامت مالی وام‌گیرنده را ارزیابی کنند و این موضوع یکی از ارکان اساسی نظام اعتبارسنجی است. ارائه خدمات اطمینان‌بخشی و همچنین ارزیابی کنترل‌های داخلی توسط حسابرسان داخلی باعث افزایش قابلیت اتکای گزارشگری مالی می‌شود و این همان چیزی است که برای وام‌دهنده کمال مطلوب است. همچنین برای وام‌دهنده این موضوع اهمیت دارد که وام‌گیرنده بتواند اقساط وام را در موعد مقرر بازپرداخت کند (ریسک اعتباری)، این موضوع به رعایت قوانین و مقررات برمی‌گردد. در حقیقت حسابرسان داخلی از طریق ارزیابی مستمر کنترل‌های داخلی، می‌تواند وضعیت رعایت قوانین و مقررات را نیز در سازمان ارتقا دهند و این موضوع نیز برای وام‌دهنده اهمیت دارد. با این توصیف، وجود واحد حسابرسی داخلی قدرتمند در واحد تجاری وام‌گیرنده، برای وام‌دهنده اهمیت دارد؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که وجود واحد حسابرسی داخلی قدرتمند در واحد تجاری متقاضی وام، بر تصمیمات وام‌دهی مؤثر باشد.

پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که واحدهای تجاری که کنترل‌های داخلی (شامل واحد حسابرسی داخلی) قوی دارند، هزینه بدهی کمتری تحمل می‌کنند و راحت‌تر اعتبار می‌گیرند (چالمرز و همکاران، ۲۰۱۸) و کیفیت گزارشگری مالی بالاتری دارند (پراویت و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین بخش عمده‌ای از ادبیات قبلی پژوهش به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی مستقل (حسابرسی صورت‌های مالی) و تأثیر حساب‌رسان مستقل بر تصمیمات وام‌دهی اختصاص داشته است (اشنایدر، ۲۰۲۱). بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر تصمیمات وام‌دهی نپرداخته‌اند، بنابراین هدف اصلی این پژوهش مشخص کردن این موضوع است که آیا آگاهی وام‌دهنده از وجود و قدرت واحد حسابرسی داخلی متقاضی وام، بر تصمیمات وام‌دهی مؤثر است یا خیر؟

مبانی نظری پژوهش

طبق تعریف حسابرسی داخلی، حسابرسی داخلی با فراهم ساختن رویکردی روشمند برای ارزیابی و بهبود اثربخشی فرایندهای راهبری، مدیریت ریسک و کنترل، سازمان را در دستیابی به هدف‌هایش یاری می‌کند (انجمن حساب‌رسان داخلی، ۲۰۱۶). در پژوهش‌های گذشته نشان داده شده است که حسابرسی داخلی به کاهش ریسک‌های شرکت کمک می‌کند. انجمن بازرسان رسمی تقلب در گزارش‌های شغلی خود نشان داده است که وجود واحد حسابرسی داخلی به‌عنوان یکی از کنترل‌های ضد تقلب مؤثر تلقی می‌شود. طبق پژوهش انجمن پیش‌گفته، وجود واحد حسابرسی داخلی به طور معناداری بر کاهش زیان تقلب و مدت‌زمان تقلب مؤثر بوده است. به طوری که انجمن مزبور نشان داده است که شرکت‌هایی که واحد حسابرسی داخلی نداشته‌اند به طور متوسط متحمل ۱۵۰ هزار دلار زیان ناشی از تقلب شده‌اند در حالی که این میزان در شرکت‌های دارای واحد حسابرسی داخلی به میزان ۱۰۰ هزار دلار گزارش شده است. همچنین شرکت‌هایی که واحد حسابرسی داخلی نداشته‌اند به طور متوسط ۱۸ طول کشیده است تا تقلب را کشف کنند در حالی که شرکت‌های دارای واحد حسابرسی داخلی به طور متوسط ۱۲ طول کشیده است که تقلب را کشف کنند (انجمن بازرسان رسمی تقلب، ۲۰۲۲). افزون بر آن، متنی و

برزگری (۱۴۰۲) و کارسلو و همکاران (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که حسابرسی داخلی باعث کاهش ریسک ادراکی در شرکت می‌شود.

نهادهای ناظر همواره به استقرار واحدهای کنترل داخلی برای مدیریت ریسک‌ها توجه ویژه‌ای داشته‌اند. یکی از این واحدهای کنترل داخلی (در کنار واحد ریسک و واحد رعایت قوانین و مقررات) که بعد از رخداد بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است، واحد حسابرسی داخلی بوده است و نهاد تنظیم‌گر اصلاحات زیادی در این باره ارائه کرده است (چو، ۲۰۱۵). واحد حسابرسی داخلی طبق چارچوب کنترل یکپارچه کنترل‌های داخلی جزئی از نظام کنترل‌های داخلی است (جز نظارت) که به موجب تعریف و دامنه عملیات یکی از نقش‌های اصلی آن، ارزیابی کنترل‌های داخلی و ارائه پیشنهاد برای بهبود آن است. پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که کنترل‌های داخلی باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود، تأثیر مثبتی بر تصمیمات وام‌دهی می‌گذارد، ظرفیت شرکت‌ها برای دریافت بدهی را افزایش می‌دهد و در مجموع باعث کاهش هزینه بدهی برای شرکت‌ها می‌شود (چالمرز و همکاران، ۲۰۱۸)؛ بنابراین می‌توان استنباط کرد که حسابرسان داخلی از طریق ارزیابی مستمر کنترل‌های داخلی و پیشنهاد برای بهبود آن می‌توانند بر تصمیمات وام‌دهی مؤثر باشند.

پراویت و همکاران (۲۰۰۹)، نشان دادند کیفیت حسابرسی داخلی نقش مهمی در کیفیت گزارشگری مالی بازی می‌کند به طوری که هر چه کیفیت حسابرسی داخلی بالاتر باشد مدیریت سود در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد. پراویت و همکاران (۲۰۱۲)، نشان دادند که کیفیت بالای حسابرسی داخلی به طور مثبتی با کاهش خطر حسابداری (گزارشگری مالی گمراه‌کننده و متقلبانه) در ارتباط می‌باشد. لین و همکاران (۲۰۱۱)، نیز نشان دادند که سنج‌های مختلف کیفیت حسابرسی داخلی با افشای نارسایی‌ها در گزارش‌های مالی، در ارتباط می‌باشد. در ایران، برازنده (۱۳۹۰) در پژوهشی به تبیین ارتباط میان کیفیت حسابرسی و مدیریت سود پرداخت. نتایج پژوهش ایشان حاکی از آن بوده است که کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی با اقلام تعهدی غیرعادی رابطه معکوس و معنادار داشته است. جبارزاده کنگرلویی و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که حسابرسی داخلی منجر به افزایش اثربخشی کنترل‌های داخلی می‌گردد.

از این بخش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که واحد حسابرسی داخلی با ارتقای نظام کنترل‌های داخلی صاحب‌کار از طریق ارزیابی مستمر، به کاهش ریسک شرکت و همچنین افزایش کیفیت گزارشگری مالی منتج می‌شود. این دو موضوع جزو موضوعاتی هستند که همواره مورد توجه اعطاکنندگان تسهیلات مالی قرار می‌گیرد.

پژوهش‌های بسیاری به تأثیر قضاوت و تصمیمات مربوط به وام تجاری و تصمیمات خدمات اطمینان‌بخشی صورت‌های مالی انجام شده توسط حسابرس مستقل متقاضی وام پرداخته‌اند (مانند، باکر و کونینگهام، ۱۹۹۳؛ مک کینلی و همکاران، ۱۹۸۵). حسابرسان داخلی نیز گاهی خدمات اطمینان‌بخشی صورت‌های مالی را انجام می‌دهند، اما بیشتر کار آن‌ها حسابرسی رعایت و حسابرسی عملیاتی است (گراملینگ و همکاران، ۲۰۰۴). حسابرسی رعایت به این موضوع می‌پردازد که آیا رویه‌های عملیاتی واقعی شرکت با خط‌مشی‌های آن مطابقت دارد، درحالی‌که حسابرسی عملیاتی بر اثربخشی و کارایی فعالیت‌های عملیاتی شرکت تمرکز دارد. طبق دامنه فعالیت حسابرسی داخلی (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۱۷)، از آنجایی که واحد حسابرسی داخلی هر سه گونه خدمات اطمینان‌بخشی، حسابرسی رعایت و حسابرسی عملیاتی را انجام می‌دهد، یک سازوکار نظارتی مهم حاکمیت شرکتی است. وام‌دهندگان از وام‌گیرندگان می‌خواهند که اطلاعات مالی قابل‌اتکا را در اختیار آن‌ها قرار دهند؛ زیرا وام‌دهندگان از این اطلاعات برای ارزیابی سلامت مالی وام‌گیرندگان به‌عنوان بخشی از فرایند ارزیابی اعتبار خود استفاده می‌کنند. خدمات اطمینان‌بخشی ارائه شده توسط حسابرسان داخلی، قابلیت اطمینان این اطلاعات مالی را برای وام‌دهندگان افزایش می‌دهد. علاوه بر این، برای اطمینان از اینکه وام‌گیرندگان در موقعیت خوبی برای بازپرداخت وام هستند، وام‌دهندگان مایل‌اند که وام‌گیرندگان سیاست‌های خودشان را رعایت کنند و آن‌ها را به‌طور کارآمد و اثربخش انجام دهند. خدمات حسابرسی رعایت و حسابرسی عملیاتی انجام شده توسط حسابرسان داخلی برای دستیابی به این اهداف کمک می‌کند. از این رو، به نظر می‌رسد که وام‌دهندگان زمانی که وام‌گیرندگان دارای واحد حسابرسی داخلی قوی هستند، برای اعطای وام تشویق می‌شوند. به این دلایل، تصمیمات اعطای وام‌های تجاری می‌تواند تحت تأثیر وجود و کیفیت واحد حسابرسی داخلی وام‌گیرندگان قرار گیرد (اشنایدر، ۲۰۲۱).

هدف پژوهش حاضر تعیین اینکه آیا آگاهی در مورد عملکرد حسابرسی داخلی وام گیرنده بر تصمیمات وام تجاری تأثیر می‌گذارد یا خیر، می‌باشد. اگر نشان داده شود که وجود و قدرت یک حسابرسی داخلی توانایی آن را برای استقراض افزایش می‌دهد، آنگاه یک شرکت ممکن است مایل به سرمایه‌گذاری بیشتر در حسابرسی داخلی باشد. درحالی‌که بسیاری از پژوهش‌های پیشین به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که خدمات حسابرسان مستقل چگونه بر تصمیمات وام‌دهی تأثیر می‌گذارد، پژوهش حاضر با بررسی تجربی اینکه آیا وجود و کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی شرکت وام‌گیرنده بر تصمیمات وام تجاری تأثیر می‌گذارد یا خیر، به ادبیات کمک می‌کند. ضمناً حسابرسان داخلی و مستقل نقش آفرینان متمایز اما مکمل در ساختار حاکمیت شرکتی برشمرده شده‌اند (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۱۷).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که وام‌دهندگان تجاری به درخواست‌های وام که همراه با حسابرسی صورت‌های مالی (تریسکا و همکاران، ۲۰۱۷؛ بلکول و همکاران، ۱۹۹۸؛ بری و همکاران ۱۹۸۴) و حسابرسی کنترل داخلی (اشنایدر و چرچ، ۲۰۰۸) صورت گرفته توسط مؤسسات حسابرسی مستقل باشد، اهمیت می‌دهند و در تصمیمات وام‌دهی خود آن را در نظر می‌گیرند. ارتباط مؤسسات حسابرسی مستقل با صورت‌های مالی وام‌گیرندگان در قالب خدمات اطمینان بخشی محدود یا خدمات غیر اطمینان بخشی مانند بررسی اجمالی یا تنظیم صورت‌های مالی ممکن است توسط وام‌دهندگان به‌اندازه حسابرسی مستقل ارزشمند نباشد و مورد توجه قرار نگیرد (میلر و اسمیت، ۲۰۰۲؛ بیکر و کانتینگهام، ۱۹۹۳). اشنایدر و رامسای (۲۰۰۰) نشان دادند که بررسی هم‌پیشگان یا بررسی کنترل کیفیت حسابرسان مستقل متقاضی وام، تأثیر بااهمیتی بر تصمیمات وام‌دهی ندارد.

مطالعات متعددی تأثیر کیفیت حسابرسان مستقل را بر تصمیمات وام تجاری بررسی کرده‌اند. برخی از مطالعات نشان داده‌اند که تصمیمات وام‌دهی تحت تأثیر استقلال حسابرسان مستقل است (مانند گیورال و همکاران، ۲۰۱۴؛ لو و همکاران، ۱۹۹۹؛ لو و پانی، ۱۹۹۵؛ گول، ۱۹۹۱). درحالی‌که مطالعات دیگر چنین تأثیری را گزارش نکردند (مانند اشنایدر، ۲۰۱۰؛ بندیوپادهای و

فرانسیس، ۱۹۹۵). همچنین پژوهش‌های قبلی که کیفیت حسابرس مستقل را که از طریق اندازه مؤسسه حسابرسی تعیین کرده بوده‌اند نشان دادند که این موضوع بر تصمیمات وام‌دهی مؤثر بوده است. به طوری که مطالعات نشان داده‌اند که برخی از وام‌دهندگان بیشتر از مؤسسات حسابرسی بزرگ حمایت می‌کنند (کیم و همکاران ۲۰۱۳؛ کیم و سونگ ۲۰۱۱)، در حالی که بعضی دیگر از وام‌دهندگان این اولویت را قائل نشده‌اند (مانند اشنایدر، ۲۰۱۷؛ مک کینلی و همکاران، ۱۹۸۵). به همین ترتیب، نتایج مربوط به آثار شهرت حسابرس مستقل و قابلیت اطمینان درک شده در تصمیمات وام‌دهی متفاوت گزارش شده است؛ به طوری که در این ارتباط دیزورت و همکاران (۲۰۱۲) رابطه مثبتی با قضاوت‌های وام‌دهی گزارش کردند، اما میلر و اسمیت (۲۰۰۲) هیچ ارتباطی گزارش نکردند. از سوی دیگر، برخی از پژوهش‌های دیگر نشان دادند که تخصص صنعت حسابرسان مستقل به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های کیفیت حسابرسی در تصمیمات وام‌دهی، مؤثر بوده است (ژانگ و همکاران ۲۰۱۷؛ چین و همکاران ۲۰۱۴).

برخی از پژوهش‌ها، به جنبه منبع‌یابی حسابرسی داخلی بر تصمیمات وام‌دهی پرداخته‌اند. لو و همکاران (۱۹۹۹) نشان دادند که هنگامی که حسابرس مستقل به طور هم‌زمان خدمات حسابرسی داخلی صاحب کار را به صورت برون‌سپاری شده انجام می‌دهند، وام‌دهندگان نمره پایینی به استقلال حسابرس و ارزیابی قابل اتکا بودن گزارش‌های مالی اختصاص می‌دهند. آن‌ها همچنین نشان دادند نمره‌های یادشده هنگامی که کار حسابرسی داخلی توسط کارکنانی متفاوت از گروه حسابرسی مستقل اجرا می‌شود، بیشتر است.

جیمز (۲۰۰۳) در پژوهشی پیمایشی بررسی کرد که چگونه قضاوت‌های وام‌دهی تحت تأثیر آگاهی درباره واحد حسابرسی داخلی متقاضی قرار می‌گیرد. جیمز (۲۰۰۳) نشان داد که مدیران اعتبارات این گونه برداشت می‌کنند که حسابرسان داخلی که به مدیران ارشد اجرایی گزارش می‌دهند در مقایسه با حسابرسان داخلی که فقط به کمیته‌های حسابرسی گزارش می‌دهند کمتر قادر به ارائه محافظت در برابر گزارشگری مالی متقلبانانه هستند. در حقیقت خط گزارشگری واحد حسابرسی داخلی به کمیته حسابرسی که در ادبیات نشانه‌ای از استقلال واحد حسابرسی داخلی است، توسط وام‌دهندگان مدنظر قرار گرفته است؛ یعنی برای وام‌دهنده، استقلال واحد حسابرسی داخلی مهم است.

اشنايدر (۲۰۱۹) آثار واحدهای حسابرسي داخلي در استخدام شرکت (درون‌سپاری)، برون‌سپاری و همسپاری را مقایسه کرد و نشان داد که نوع منبع‌یابی حسابرسي داخلي بر تصمیمات وام‌دهی تأثیری ندارد.

اشنايدر (۲۰۲۱) در پژوهشی از طریق طرح آزمایش ۶۱ نفر از مدیران اعتبارات، این موضوع را بررسی کرد که آیا آگاهی در مورد واحد حسابرسي داخلي وام‌گیرنده بر تصمیمات وام‌تجاری تأثیر می‌گذارد یا خیر. نتایج نشان می‌دهد که ارزیابی ریسک وام‌دهندگان تحت تأثیر واحد حسابرسي داخلي وام‌گیرنده نیست، اما بر احتمال تأیید خط اعتباری تأثیر مثبتی دارد. به طور خاص، برای وام‌گیرنده‌ای که صورت‌های مالی او توسط یک مؤسسه حسابرسي مستقل محلی تنظیم شده است، وجود واحد حسابرسي داخلي احتمال تأیید اعتباری را افزایش می‌دهد، اگرچه به نظر نمی‌رسد که قدرت واحد حسابرسي داخلي بر تأیید اعتباری مؤثر باشد.

با عنایت به تعریف حسابرسي داخلي، نقش‌های آن به‌ویژه ارزیابی مستمر کنترل‌های داخلي، به لحاظ نظری می‌توان انتظار داشت که حسابرسان داخلي به بهبود و ارتقای کنترل‌های داخلي سازمان می‌انجامند. کنترل‌های داخلي دارای سه دسته اهداف گزارشگری، رعایتی و عملیاتی هستند. کنترل‌های داخلي بر مهار و کاهش ریسک‌ها به سطح پذیرفتنی، در واحدهای تجاری مستقر می‌شوند، با عنایت به این استدلال و نتایج پژوهش‌های گذشته که در بالا به آن اشاره شد، می‌توان انتظار داشت که وجود واحد حسابرسي داخلي قدرتمند در تصمیمات واهی دهی، بانک‌ها مدنظر قرار گیرد؛ لذا در این پژوهش به دنبال این موضوع هستیم تا برای اولین بار در ایران به کمک روش پیمایش، این موضوع را بررسی کنیم و این نظریه را به‌بوته آزمایش بگذاریم.

تصمیمات تجاری وام‌دهی تحت تأثیر شرایط مالی درک شده وام‌گیرنده است. وام‌دهندگان برای ارزیابی وضعیت مالی وام‌گیرنده به اطلاعات مالی متکی هستند. فرث (۱۹۸۰) گزارش کرد که قابلیت اطمینان اطلاعات مالی بر تصمیمات وام‌دهی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر اهمیت قابلیت اطمینان مالی در تصمیم‌گیری برای وام‌دادن، قابلیت اطمینان اطلاعات مالی اغلب حتی پس از اعطای وام نیز بسیار مهم است. گزارش‌های مالی معمولاً توسط وام‌دهندگان برای نظارت بر وام‌های اعطای برای بررسی رعایت مفاد توافق‌نامه و پایبندی وام‌گیرنده به قراردادهای بدهی مالی، مورد استفاده قرار می‌گیرد (تیلور، ۲۰۱۳).

هزینه‌های نمایندگی و ناقرینگی اطلاعات مالی میان متقاضیان وام و وام‌دهندگان بر قیمت و شرایط بدهی تأثیر می‌گذارد (راجان و وینتون ۱۹۹۵). واحدهای حسابرسی داخلی سازوکارهای مهم حاکمیت شرکتی برای کنترل مشکلات نمایندگی و کاهش ناقرینگی اطلاعاتی میان شرکت‌ها و ذی‌نفعان برون‌سازمانی هستند (گراملینگ و همکاران ۲۰۰۴). وجود واحد حسابرسی داخلی ناظر بر کنترل‌های داخلی، سیستم‌های مدیریت مالی و فرایندهای گزارشگری مالی به تقویت حاکمیت شرکتی کمک می‌کند. این نظارت، ریسک اطلاعات، ریسک نمایندگی و ریسک نکول وام را کاهش می‌دهد (فرانسیس و همکاران ۲۰۱۲). کارسلو و همکاران (۲۰۲۰)، منتی و برزگری (۱۴۰۲) شواهدی ارائه کردند که حسابرسی داخلی ادراک مدیران از ریسک را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، قابلیت اتکای اطلاعات مالی تحت تأثیر قابلیت‌های درک شده حسابرسان داخلی که نظارت را انجام می‌دهند، می‌باشد. وام‌دهنده‌ای که به کیفیت واحد حسابرسی داخلی اطمینان دارد، به نقش نظارتی واحد حسابرسی داخلی توجه بیشتری می‌کند چراکه می‌خواهد اتکای بیشتری به صورت‌های مالی داشته باشد. از این رو، واحد حسابرسی داخلی قوی از طرف وام‌دهندگان این طور درک می‌شود که نظارت بهتری انجام می‌دهد و از این طریق اتکاپذیری صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد.

گزارش‌های مالی قابل‌اتکا باید منجر به افزایش اعتماد وام‌دهندگان تجاری به اطلاعات مالی وام‌گیرنده شود. افزایش اعتماد باید اطمینان بیشتری را برای وام‌دهندگان در مورد صحت اعداد اساسی در اطلاعات مالی ارائه شده توسط وام‌گیرنده ایجاد کند (کوت و لاثام، ۲۰۰۶). این به نوبه خود، باید ریسک‌های درک شده از وام دادن به شرکت را کاهش دهد و منجر به احتمال بیشتری برای تأیید خطوط اعتباری شود. علاوه بر این، هنگامی که اعتماد وجود دارد، هزینه‌های مربوط به سیستم‌های نظارتی را می‌توان کاهش داد (بایمن و راجان ۲۰۰۲) بنابراین طبیعی است که این موضوع نیز باید بر تصمیمات وام‌دهی تأثیر مثبتی داشته باشد. این استدلال‌ها نشان می‌دهد که وام‌دهندگان تجاری طرفدار شرکت‌هایی هستند که واحد حسابرسی داخلی دارند و علاوه بر این، واحدهای حسابرسی داخلی قوی تر احتمالاً چشم‌انداز متقاضیان را برای دریافت خطوط اعتباری افزایش می‌دهد.

باتوجه به توضیحات بالا، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر، ارائه می‌شود:
 فرضیه ۱: وجود واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد.
 فرضیه ۲: قدرت واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری قرار دارد. در حقیقت به دنبال این موضوع است که مسائل نظری پیرامون واحدهای حسابرسی داخلی در دنیای واقعی مورد آزمون قرار دهد و شواهد تجربی مناسبی برای پشتیبانی از آن فراهم کند؛ بنابراین از نظر رویکرد، جزو پژوهش‌های کمی و مبتنی بر «فرضی - قیاسی» است. روش گردآوری داده‌ها از طریق پیمایش و نظرسنجی است.

با عنایت به توضیحات بالا، برای گردآوری داده‌های پژوهش، از طریق پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه این پژوهش برگرفته از کار پژوهشی اشنایدر (۲۰۲۱) و در نظر گرفتن شرایط اعتباری ایران، سفارشی‌سازی شده است.

جامعه آماری این پژوهش تمامی شعب بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران و فعال در شهر تهران می‌باشد. به منظور گردآوری داده‌های موردنیاز پژوهش از پرسش‌نامه استفاده گردید؛ لذا با مراجعه به شعب مختلف بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، پرسش‌نامه بین مسئول اعتبارات و سرپرست شعب (معاون شعبه) بانک‌ها توزیع گردید. مسئول اعتبارات و سرپرست (معاون) شعب جزو افرادی هستند که بیشترین اطلاعات لازم برای اعطای وام به متقاضی دارند؛ بنابراین از نظر این پژوهش جزو مطلع‌ترین افراد شاغل در شعبه به حساب می‌آیند. ذکر این نکته ضرورت دارد، فرم‌های (برگه‌های) اعتبارسنجی کلیه بانک‌های مورد بررسی اخذ شد. اطلاعات فرم‌ها نشان می‌دهد که هیچ کدام از بانک‌ها در اعطای اعتباری در دنیای واقعی توجهی به بود یا نبود واحد حسابرسی داخلی نکرده‌اند. در این پژوهش در گام اول با ارائه توضیحات حضوری توسط پژوهشگر برای هر پاسخ‌دهنده درباره نقش‌ها، مسئولیت‌ها، کارکردها و وظایف واحد حسابرسی داخلی، آن‌ها را با این واحد و همچنین الزامات اخیر سازمان بورس در استقرار واحد حسابرسی داخلی در شرکت‌ها، آشنا کردیم و سپس

در گام دوم با تصویرکردن دو شرکت فرضی که کاملاً از همه منظرها با هم یکسان فرض شده‌اند؛ اما از نظر مؤلفه‌های حسابرسی داخلی متفاوت هستند، نظر پاسخ‌دهندگان را در ارزیابی اعتباری آن‌ها و تصمیمات وام‌دهی جویا شدیم. برای این منظور با مراجعه حضوری به شعب بانک‌های سطح شهر تهران در شش ماهه ابتدای سال ۱۴۰۲، پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد. با کوشش فراوان و مراجعه به شعب گوناگون بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران در مجموع ۱۴۵ پرسش‌نامه تکمیل شد. شایان ذکر است در مراجعه به شعب فراوان دیگر، آن‌ها حاضر به همکاری با پژوهشگران نشدند؛ لذا گردآوری داده‌های پژوهش حدود شش ماه به طول انجامید. برای توضیح نقش‌ها و کارکردهای واحد حسابرسی داخلی با عنایت به علاقه و توجه مشارکت‌کننده از ده دقیقه تا نیم ساعت ارائه حضوری برای ایشان ارائه گردید. برخی از مشارکت‌کنندگان که علاقه بیشتری نشان می‌دادند و جزئیات بیشتری را درخواست می‌کردند، زمان ارائه درباره واحد حسابرسی داخلی به بیش از نیم ساعت نیز تجاوز کرد. سپس ساختار پرسش‌نامه برای ایشان تشریح می‌شد و هم‌زمان با تکمیل پرسش‌نامه نیز توضیحات اضافی برای پاسخ‌دهندگان ارائه شد.

در پژوهش حاضر تصمیمات وام‌دهی بانک به‌عنوان متغیر وابسته و آگاهی در مورد حسابرسی داخلی شرکت وام‌گیرنده به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات به پیروی از پژوهش اشنایدر (۲۰۲۱) از پرسش‌نامه ساختاریافته استفاده شده است. پرسش‌نامه دو بخش است. بخش اول، شامل مشخصات فردی مانند بانک، شعبه، سمت، سن، جنسیت، تحصیلات و سابقه خدمت می‌باشد. بخش دوم، شامل ۱۰ سؤال بر مبنای طیف ده درجه‌ای لیکرت است که تأثیر آگاهی در مورد حسابرسی داخلی شرکت وام‌گیرنده بر تصمیمات وام‌دهی بانک را ارزیابی می‌کند. پرسش‌نامه شامل ۱۰ سؤال می‌باشد. قبل از مطرح کردن ۱۰ سؤال پژوهش، یک سؤال کلی مطرح شده است مبنی بر اینکه، آیا در ارزیابی اعطای وام وجود واحد حسابرسی داخلی مدنظر قرار می‌گیرد یا خیر؟ بخش دوم پرسش‌نامه شامل ۹ پرسش (پرسش ۲ تا ۱۰) است که به قدرت یا کیفیت حسابرسی داخلی می‌پردازد. سؤال اول دربرگیرنده نمره اعتباری وجود واحد حسابرسی داخلی، سؤال دوم دربرگیرنده نمره اعتباری قدمت واحد حسابرسی داخلی، سؤال سوم دربرگیرنده نمره اعتباری داشتن برنامه مصوب واحد حسابرسی

داخلی، سؤال چهارم دربرگیرنده نمره اعتباری تعداد گزارش‌های صادره واحد حسابرسی داخلی، سؤال پنجم دربرگیرنده نمره اعتباری تعداد کارکنان شاغل در واحد حسابرسی داخلی، سؤال ششم دربرگیرنده نمره اعتباری خط گزارشگری واحد حسابرسی داخلی (هیئت‌مدیره و کمیته در مقابل مدیران اجرایی)، سؤال هفتم دربرگیرنده نمره اعتباری کاربست نرم‌افزارهای به‌روز توسط واحد حسابرسی داخلی، سؤال هشتم دربرگیرنده نمره اعتباری مشارکت کارکنان واحد حسابرسی داخلی در دوره‌های آموزشی، سؤال نهم دربرگیرنده نمره اعتباری گواهینامه‌های حرفه‌ای حسابرسان داخلی و سؤال دهم دربرگیرنده نمره اعتباری میانگین سابقه کار کارکنان شاغل در واحد حسابرسی داخلی می‌باشد. همچنین یک پاسخ باز نیز برای مواردی که در پرسش‌نامه مدنظر قرار نگرفته بود، در نظر گرفته شد.

پژوهشگران بر این امر واقف هستند که کیفیت یا قدرت حسابرسی داخلی، ابعادی چندگانه دارد لیکن مهم‌ترین این مؤلفه‌ها در نظر گرفته شده است تا بتوان در مدت‌زمان معقولی که مشارکت پاسخ‌دهنده نیز به همراه داشته باشد، پاسخ‌ها را گردآوری کرد. کوشش شد مؤلفه‌هایی که ابعاد مختلف کیفیت حسابرسی داخلی را در برداشته باشد، انتخاب گردد. برخی از پرسش‌های پژوهش مؤلفه‌های ورودی حسابرسی داخلی را مدنظر قرار داده است (قدمت، تعداد کارکنان، گواهینامه‌های آموزشی کارکنان، برگزاری دوره‌های آموزشی) برخی دیگر مؤلفه‌های اجرای عملیات (داشتن برنامه مصوب، کاربست نرم‌افزار) و برخی دیگر مؤلفه‌های خروجی (تعداد گزارش‌های صادره، گزارشگری به کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره) مدنظر قرار گرفته‌اند. این مؤلفه‌های پژوهش‌های قبلی به‌عنوان مؤلفه‌های کیفیت حسابرسی داخلی مدنظر قرار گرفته‌اند (نیکبخت و همکاران، ۱۳۹۶؛ منتی و زمان، ۱۳۹۸، انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰)؛ لذا در این پژوهش نیز از این ۹ مؤلفه به‌عنوان نماینده قدرت (کیفیت) حسابرسی داخلی استفاده شده است.

لازم به ذکر است که از سؤال ۱ به‌منظور آزمون فرضیه ۱ مبنی بر تأثیر وجود واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی استفاده می‌شود و از سؤال‌های ۲ تا ۱۰ به‌منظور آزمون فرضیه ۲ مبنی بر تأثیر قدرت واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی بهره گرفته می‌شود. برای پاسخ به سؤال اول، برای مشارکت‌کنندگان دو شرکت فرضی ترسیم شده است. شرکت الف که دارای واحد حسابرسی داخلی است و شرکت ب که دارای واحد حسابرسی داخلی

نیست. برای کنترل سایر عوامل، برای مشارکت کنندگان این طور ترسیم شده است که از نظر سایر عوامل دو شرکت الف و ب کاملاً مشابه و یکسان هستند.

در پرسش‌های بعدی برای پیشگیری از سوگیری‌های احتمالی پاسخ‌دهنده، در برخی از پرسش‌ها وضعیت برتر مؤلفه‌های کیفیت حسابرسی داخلی برای شرکت الف و در پرسش‌های دیگر، وضعیت برتر مؤلفه‌های کیفیت حسابرسی داخلی برای شرکت ب مفروض شده است.

برای پاسخ به پرسش دوم برای مشارکت کننده مفروض شده است که شرکت الف واحد حسابرسی داخلی را در سال ۱۴۰۰ و شرکت ب واحد حسابرسی داخلی را در سال ۱۳۹۳ مستقر کرده است و شروع فعالیت واحدهای حسابرسی داخلی از زمان یادشده بوده است. برای پاسخ به پرسش سوم برای مشارکت کننده مفروض شده است که شرکت الف برنامه رسمی کار و منظمی ندارد اما واحد حسابرسی داخلی شرکت ب برنامه رسمی و مصوب دارد. برای پاسخ به پرسش چهارم برای مشارکت کننده مفروض شده است که شرکت الف تعداد ۱۵ گزارش اما واحد حسابرسی داخلی شرکت ب تعداد ۵ گزارش طی یک سال اخیر صادر کرده است. برای پاسخ به پرسش پنجم برای مشارکت کننده مفروض شده است که واحد حسابرسی داخلی شرکت الف دارای ۳ کارمند اما واحد حسابرسی داخلی شرکت ب دارای ۵ کارمند است. برای پاسخ به پرسش ششم برای مشارکت کننده مفروض شده است که شرکت الف گزارش‌های خود را خطاب به هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی صادر می‌کند اما واحد حسابرسی داخلی شرکت ب گزارش‌های خود را خطاب به مدیرعامل صادر می‌کند. برای پاسخ به پرسش هفتم برای مشارکت کننده مفروض شده است که واحد حسابرسی داخلی شرکت الف از نرم‌افزار استفاده نمی‌کند یا از نسخه سال ۲۰۰۳ استفاده می‌کند در حالی که واحد حسابرسی داخلی شرکت ب از نرم‌افزار نسخه سال ۲۰۲۲ استفاده می‌کند. برای پاسخ به پرسش هشتم برای مشارکت کننده مفروض شده است که کارکنان واحد حسابرسی داخلی شرکت الف در دوره‌های آموزشی که به صورت ماهانه برگزار می‌شود، مشارکت می‌کنند اما کارکنان واحد حسابرسی داخلی شرکت ب در دوره‌های آموزشی منظم شرکت نمی‌کنند. برای پاسخ به پرسش نهم برای مشارکت کننده مفروض شده است که ۴ نفر از کارکنان واحد حسابرسی داخلی شرکت الف دارای گواهینامه حرفه‌ای (نظیر حسابرس داخلی خیره) هستند در حالی که تنها یک نفر از کارکنان واحد حسابرسی داخلی شرکت ب دارای

گواهینامه حرفه‌ای هستند. برای پاسخ به پرسش دهم برای مشارکت‌کننده مفروض شده است که میانگین سابقه کار کارکنان واحد حسابرسی داخلی شرکت الف ۸ سال است در حالی که میانگین سابقه کارکنان واحد حسابرسی داخلی شرکت ب ۱۵ سال است. برای از بین بردن سوگیری‌های ذهنی احتمالی پاسخ‌دهندگان (مشارکت‌کنندگان) صرفاً تغییرات بالا در نظر گرفته شده است و سایر شرایط دو شرکت یکسان مفروض شده است.

یافته‌های پژوهش

در بخش اول، مشخص جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش به شرح جدول ۱ در قالب آمار توصیفی ارائه می‌گردد و در ادامه آمار استنباطی ارائه می‌شود:

جدول ۱. نتایج حاصل از ویژگی‌های نمونه آماری پژوهش

نام متغیر	طبقه	فراوانی	درصد فراوانی
نام بانک	اقتصاد نوین	۲۲	۱۵.۲
	پارسیان	۲۵	۱۷.۲
	دی	۷	۴.۸
	سامان	۱۰	۶.۹
	سرمایه	۶	۴.۱
	شهر	۹	۶.۲
	کارآفرین	۲۱	۱۴.۵
	ملت	۴۵	۳۱
	کل	۱۴۵	۱۰۰
	سمت	مسئول اعتبارات	۱۱۵
رئیس شعبه		۲۲	۱۵.۲
مسئول اعتبارسنجی		۸	۵.۵
کل		۱۴۵	۱۰۰
سن	۳۱-۳۵	۵۶	۳۸.۶
	۳۶-۴۰	۶۰	۴۱.۴
	۴۱-۴۵	۸	۵.۵
	۴۶-۵۰	۹	۶.۲
	۵۱-۵۵	۹	۶.۲

نام متغیر	طبقه	فراوانی	درصد فراوانی
	بیشتر از ۵۵	۳	۲.۱
	کل	۱۴۵	۱۰۰
جنسیت	مرد	۸۳	۵۷.۲
	زن	۶۲	۴۲.۸
	کل	۱۴۵	۱۰۰
تحصیلات	کارشناسی	۵۵	۳۷.۹
	کارشناسی ارشد	۸۰	۵۵.۲
	دکترای بالاتر	۱۰	۶.۹
	کل	۱۴۵	۱۰۰
سابقه خدمت	۱-۵	۵	۳.۴
	۶-۱۰	۶۷	۴۶.۲
	۱۱-۱۵	۴۵	۳۱.۰
	۱۶-۲۰	۷	۴.۸
	بیشتر از ۲۰ سال	۲۱	۱۴.۵
	کل	۱۴۵	۱۰۰

نتایج ارائه شده در جدول ۱ نشان می‌دهد که از بین پاسخ‌دهندگان ۵۷,۲ درصد مرد و ۴۲,۸ درصد زن هستند و اکثر پاسخ‌دهندگان با ۴۱,۴ درصد در حوزه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال قرار دارند. از کل نمونه آماری ۷۹,۳ درصد دارای سمت مسئول اعتبارات، ۱۵,۲ درصد رئیس شعبه و ۵,۵ درصد مسئول اعتبارسنجی هستند و سطح تحصیلات ۳۷,۹ درصد از پاسخ‌دهندگان کارشناسی، ۵۵,۲ درصد کارشناسی ارشد و ۶,۹ درصد دکترای بالاتر می‌باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهد ۴۶,۲ درصد از پاسخ‌دهندگان بین ۶ تا ۱۰ سال و ۳۱ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال سابقه خدمت دارند. لازم به ذکر است که کل نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۱۴۵ مشارکت‌کننده متشکل از ۸ بانک بوده است.

باتوجه به کمی و گسسته بودن سؤالات پژوهش باید نوع آزمون مورد استفاده (آزمون پارامتریک یا آزمون ناپارامتریک) مشخص شود. برای این منظور از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (KS) بهره گرفته می‌شود. باتوجه به جدول ۲ نتایج حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نشان‌دهنده عدم نرمال بودن متغیرهای پژوهش می‌باشد بنابراین در آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون ناپارامتریک آزمون من-ویتنی (آزمون U) استفاده شده است.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (KS)

نام متغیر	آماره	سطح معناداری	نتیجه
سؤال ۱	۲.۳۵۴	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست
سؤال ۲	۲.۵۱۸	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست
سؤال ۳	۲.۲۷۲	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست
سؤال ۴	۲.۰۰۴	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست
سؤال ۵	۱.۸۳۸	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست
سؤال ۶	۲.۵۸۰	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست
سؤال ۷	۲.۱۱۴	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست
سؤال ۸	۲.۵۶۳	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست
سؤال ۹	۲.۴۴۵	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست
سؤال ۱۰	۲.۲۹۰	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست

فرضیه ۱: وجود واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد. در راستای آزمون فرضیه ۱ مبنی بر تأثیر بود یا نبود واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی یک سؤال (سؤال ۱) طراحی شده است به همین منظور برای آزمون این فرضیه از نتایج آزمون من_ویتنی (آزمون U) که در جداول ۳ و ۴ ارائه شده، بهره گرفته شده است. در آزمون من_ویتنی (آزمون U) فرضیه صفر و فرضیه مقابل (فرضیه مورداذا) به صورت زیر تعریف شده است.

H_0 : وجود واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی ندارد.

H_1 : وجود واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد.

بر اساس کل نمونه نتایج ارائه شده در جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین رتبه شرکت الف (دارای واحد حسابرسی داخلی) در مقایسه با میانگین رتبه شرکت ب (که واحد حسابرسی داخلی ندارد) بیشتر است این موضوع نشان‌دهنده این است که نمره اعتباری شرکت الف بیشتر از شرکت ب است. همچنین نتایج ارائه شده در جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معناداری (۰,۰۰۰) کمتر از ۵ درصد می‌باشد، بنابراین می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه صفر را رد کرد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵٪ در شرکت الف (دارای واحد حسابرسی داخلی) نمره اعتباری

بیشتر از شرکت ب (که واحد حسابرسی داخلی ندارد) است. در حالت کلی می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که وجود واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد. جدول ۳. رتبه‌های مربوط به وجود حسابرسی داخلی بر حسب شرکت (سؤال ۱) بر اساس کل نمونه

نام شرکت	تعداد داده‌ها	میانگین رتبه‌ها	مجموع رتبه‌ها
شرکت الف	۱۴۵	۲۱۷.۳۳	۳۱۵۱۲.۵۰
شرکت ب	۱۴۵	۷۳.۶۷	۱۰۶۸۲.۵۰
کل	۲۹۰	---	---

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون من-ویتنی (آزمون U) بر اساس کل نمونه

وجود حسابرسی داخلی	
آماره U من - ویتنی	۹۷.۵۰۰
آماره W ویلکاکسن	۱۰۶۸۲.۵۰۰
آماره Z	-۱۴.۶۶۵
سطح معناداری (sig)	.۰۰۰

برای تقویت نتایج، آزمون‌های مزبور برای هر دو گروه مردان و زنان نیز به تفکیک اجرا شد و تفاوت معناداری میان نتایج وجود نداشت. در هر دو گروه، وجود واحد حسابرسی داخلی بر تصمیمات وام‌دهی مثبت و معنادار گزارش شد. در گروه مردان میانگین رتبه شرکت الف به میزان ۱۲۴/۷۱ و میانگین رتبه شرکت ب ۴۲/۲۹ به دست آمد که از نظر آمار اختلاف معنادار بود. در گروه زنان نیز میانگین رتبه شرکت الف به میزان ۹۳-۱۵ و میانگین رتبه شرکت ب ۳۱/۸۵ به دست آمد که از نظر آماری اختلاف معنادار بود؛ یعنی میانگین رتبه شرکت الف از نظر آماری (آزمون من-ویتنی) به طور بااهمیتی از میانگین رتبه الف کمتر بود؛ اما به طور کلی نمرات رتبه زنان نسبت به مردان کوچک‌تر بود. این امر شاید به ریسک‌پذیری کمتر بانوان نسبت به مردان، بتوان نسبت داد.

همچنین اثر سطوح تحصیلات مشارکت‌کننده نیز بر پاسخ‌ها بررسی شد. در گروه دارندگان مدرک کارشناسی میانگین رتبه شرکت الف به میزان ۸۲/۸۹ و میانگین رتبه شرکت ب به میزان ۲۸/۱۱ حاصل آمده بود که نشان می‌دهد که از نظر این مشارکت‌کنندگان شرکت الف رتبه اعتباری بالاتری از نظر آماری نسبت به شرکت ب دارد. همچنین از میان گروه دارندگان مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر میانگین رتبه شرکت الف به میزان ۱۳۲/۹۷ و میانگین رتبه شرکت ب به

میزان ۴۶/۰۳ بوده است که از نظر آماری نیز این گروه از مشارکت کنندگان نمره اعتباری شرکت الف را بالاتر از شرکت ب ارزیابی کرده‌اند. هرچند میانگین نمره اعتبار دارندگان مدارک بالاتر بزرگ‌تر بوده است که این موضوع می‌تواند ناشی از آگاهی‌های بیشتر آن‌ها نسبت به سازوکارهای حاکمیت شرکتی و به‌ویژه واحد حسابرسی داخلی باشد.

فرضیه ۲: قدرت واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد.

در راستای آزمون فرضیه ۲ مبنی بر تأثیر قدرت واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی ۹ سؤال (سوالات ۲ تا ۱۰) طراحی شده است به همین منظور برای آزمون این فرضیه از نتایج آزمون من‌ویتنی (آزمون U) که در جداول ۱۳ و ۱۴ ارائه شده، بهره گرفته می‌شود. در آزمون من‌ویتنی (آزمون U) فرضیه صفر و فرضیه مقابل (فرضیه مورداذا) به صورت زیر تعریف می‌شود.

H_0 : قدرت واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی ندارد.

H_1 : قدرت واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد.

بر اساس کل نمونه نتایج ارائه شده در جدول ۵ مربوط به سؤال ۲ نشان می‌دهد که میانگین رتبه شرکت الف (که واحد حسابرسی داخلی را در سال ۱۴۰۰ مستقر کرده است) در مقایسه با میانگین رتبه شرکت ب الف (که واحد حسابرسی داخلی را در سال ۱۳۹۳ مستقر کرده است) کمتر است این موضوع نشان‌دهنده این است از نظر مشارکت کنندگان در این پژوهش نمره اعتباری شرکت ب بیشتر از شرکت الف است. همچنین نتایج ارائه شده در جدول ۶ نشان می‌دهد که سطح معناداری (۰,۰۰۰) کمتر از ۵ درصد می‌باشد، بنابراین می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه صفر را رد کرد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که از نظر مشارکت کنندگان در این پژوهش، در سطح اطمینان ۹۵٪ در شرکت ب نمره اعتباری بیشتر از شرکت الف کسب کرده است. میانگین رتبه شرکت الف ۱۱۶/۰۱ و میانگین شرکت ب به میزان ۱۷۴/۹۹ بوده است.

به طور مشابه در پرسش سوم، میانگین رتبه شرکت الف (که برنامه رسمی مصوب حسابرسی داخلی ندارد) به میزان ۱۱۲/۱۷ و میانگین رتبه شرکت ب (برنامه رسمی مصوب حسابرسی داخلی دارد) به میزان ۱۷۸/۸۳ است که از نظر آماری میانگین رتبه شرکت ب بزرگ‌تر از شرکت الف است؛ یعنی از نظر مشارکت کنندگان در پژوهش، شرکتی که دارای برنامه مصوب واحد حسابرسی داخلی است، نمره بالاتری کسب می‌کند.

در پرسش چهارم، میانگین رتبه شرکت الف (۱۵ گزارش صادره در سال) به میزان ۱۴۹/۲۴ و میانگین رتبه شرکت ب (۵ گزارش صادره در سال) به میزان ۱۴۱/۷۶ است. هرچند میانگین رتبه شرکت الف بزرگ‌تر از شرکت ب است؛ اما از نظر آماری این تفاوت معنادار نیست؛ یعنی از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش تعداد گزارش‌های صادره واحد حسابرسی داخلی، عامل مهمی در ارزیابی اعتباری تلقی نمی‌شود.

به طور مشابه در پرسش پنجم، میانگین رتبه شرکت الف (۳ کارمند حسابرسی داخلی دارد) به میزان ۱۴۶/۶۶ و میانگین رتبه شرکت ب (۷ کارمند حسابرسی داخلی دارد) به میزان ۱۴۴/۳۴ است که از نظر آماری اختلاف معنادار نیست؛ یعنی از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تعداد کارکنان واحد حسابرسی داخلی، عامل مهمی در ارزیابی اعتباری نیست.

به طور مشابه در پرسش ششم، میانگین رتبه شرکت الف (واحد حسابرسی داخلی به هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی گزارش می‌دهد) به میزان ۲۱۵/۵۴ و میانگین رتبه شرکت ب (واحد حسابرسی داخلی به مدیرعامل گزارش می‌دهد) به میزان ۷۵/۴۶ است که از نظر آماری میانگین رتبه شرکت الف بزرگ‌تر از شرکت ب است؛ یعنی از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، شرکتی که واحد حسابرسی داخلی آن به کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره گزارش می‌دهد (مستقل‌تر است) نمره اعتباری بالاتری اخذ می‌کند.

به طور مشابه در پرسش هفتم، میانگین رتبه شرکت الف (از نرم‌افزار استفاده نمی‌کند یا از نسخه قدیمی بهره می‌گیرد) به میزان ۱۰۳/۹۹ و میانگین رتبه شرکت ب (از برنامه نرم‌افزاری به‌روز استفاده می‌کند) به میزان ۱۸۷/۰۱ است که از نظر آماری میانگین رتبه شرکت ب بزرگ‌تر از شرکت الف است؛ یعنی از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، شرکتی که واحد حسابرسی از آن از نرم‌افزارهای به‌روز استفاده می‌کند، نمره اعتباری بالاتری اخذ می‌کند.

به طور مشابه در پرسش هشتم، میانگین رتبه شرکت الف (کارکنان واحد حسابرسی داخلی آن در برنامه‌های منظم و ماهانه آموزش شرکت می‌کنند) به میزان ۱۸۰/۹۱ و میانگین رتبه شرکت ب (کارکنان آن در برنامه آموزشی منظمی شرکت نمی‌کنند) به میزان ۱۱۰/۰۹ است که از نظر آماری میانگین رتبه شرکت الف بزرگ‌تر از شرکت ب است؛ یعنی از نظر مشارکت‌کنندگان در

پژوهش، شرکتی که کارکنان واحد حسابرسی داخلی آن در برنامه‌های آموزشی منظم شرکت می‌کنند، نمره اعتباری بالاتری اخذ می‌کند.

به طور مشابه در پرسش نهم، میانگین رتبه شرکت الف (تعداد بیشتری از کارکنان واحد حسابرسی داخلی دارای گواهینامه حرفه‌ای هستند) به میزان ۱۷۸/۶۷ و میانگین رتبه شرکت ب (تعداد کمتری از کارکنان واحد حسابرسی داخلی دارای گواهینامه حرفه‌ای هستند) به میزان ۱۱۲/۲۳ است که از نظر آماری میانگین رتبه شرکت الف بزرگ‌تر از شرکت ب است؛ یعنی از نظر مشارکت کنندگان دارا بودن گواهینامه‌های حرفه‌ای کارکنان واحد حسابرسی داخلی، در ارزیابی اعتباری شرکت مؤثر است.

به طور مشابه در پرسش دهم، میانگین رتبه شرکت الف (کارکنان حسابرسی داخلی دارای سابقه کار ۸ سال هستند) به میزان ۱۲۶/۹۲ و میانگین رتبه شرکت ب (کارکنان واحد حسابرسی داخلی دارای سابقه ۱۵ سال هستند) به میزان ۱۶۴/۰۸ است که از نظر آماری میانگین رتبه شرکت ب بزرگ‌تر از شرکت الف است؛ یعنی از نظر مشارکت کنندگان در پژوهش، شرکتی که کارکنان واحد حسابرسی داخلی آن سابقه کار بیشتری دارند، نمره اعتباری بالاتری اخذ می‌کنند. باتوجه به توضیحات بالا هشت عامل از عوامل کیفی برشمرده شده از نظر مشارکت کنندگان در پژوهش در ارزیابی واحد حسابرسی داخلی مهم هستند و صرفاً دو عامل (تعداد گزارش‌های صادره و تعداد کارکنان واحد حسابرسی داخلی) عوامل مهمی در ارزیابی واحد حسابرسی داخلی و تأثیر آن بر رتبه‌بندی اعتباری شرکت، نبودند.

جدول ۵. رتبه‌های مربوط به وجود حسابرسی داخلی برحسب شرکت (سؤال ۱) بر اساس کل نمونه

سؤال	محتوای سؤال	نام شرکت	تعداد داده‌ها	میانگین رتبه‌ها	مجموع رتبه‌ها
سؤال ۲	قدمت واحد حسابرسی داخلی	شرکت الف	۱۴۵	۱۱۶.۰۱	۱۶۸۲۲.۰۰
		شرکت ب	۱۴۵	۱۷۴.۹۹	۲۵۳۷۳.۰۰
		کل	۲۹۰	---	---
سؤال ۳	داشتن برنامه مصوب واحد حسابرسی داخلی	شرکت الف	۱۴۵	۱۱۲.۱۷	۱۶۲۶۴.۰۰
		شرکت ب	۱۴۵	۱۷۸.۸۳	۲۵۹۳۱.۰۰
		کل	۲۹۰	---	---
سؤال ۴	تعداد گزارش‌های صادره واحد حسابرسی داخلی	شرکت الف	۱۴۵	۱۴۹.۲۴	۲۱۶۴۰.۰۰
		شرکت ب	۱۴۵	۱۴۱.۷۶	۲۰۵۵۵.۰۰
		کل	۲۹۰	---	---

سؤال	محتوای سؤال	نام شرکت	تعداد داده‌ها	میانگین رتبه‌ها	مجموع رتبه‌ها
سؤال ۵	تعداد کارکنان شاغل در واحد حسابرسی داخلی	شرکت الف	۱۴۵	۱۴۶.۶۶	۲۱۲۶۵.۵۰
		شرکت ب	۱۴۵	۱۴۴.۳۴	۲۰۹۲۹.۵۰
		کل	۲۹۰	---	---
سؤال ۶	گزارشگری واحد حسابرسی داخلی (هیئت‌مدیره و کمیته در مقابل مدیران اجرایی)	شرکت الف	۱۴۵	۲۱۵.۵۴	۳۱۲۵۴.۰۰
		شرکت ب	۱۴۵	۷۵.۴۶	۱۰۹۴۱.۰۰
		کل	۲۹۰	---	---
سؤال ۷	کاربست نرم‌افزارهای به‌روز توسط واحد حسابرسی داخلی	شرکت الف	۱۴۵	۱۰۳.۹۹	۱۵۰۷۸.۰۰
		شرکت ب	۱۴۵	۱۸۷.۰۱	۲۷۱۱۷.۰۰
		کل	۲۹۰	---	---
سؤال ۸	مشارکت کارکنان واحد حسابرسی داخلی در دوره‌های آموزشی	شرکت الف	۱۴۵	۱۸۰.۹۱	۲۶۲۳۲.۵۰
		شرکت ب	۱۴۵	۱۱۰.۰۹	۱۵۹۶۲.۵۰
		کل	۲۹۰	---	---
سؤال ۹	گواهینامه‌های حرفه‌ای حسابرسان داخلی	شرکت الف	۱۴۵	۱۷۸.۶۷	۲۵۹۰۶.۵۰
		شرکت ب	۱۴۵	۱۱۲.۳۳	۱۶۲۸۸.۵۰
		کل	۲۹۰	---	---
سؤال ۱۰	میانگین سابقه کار کارکنان شاغل در واحد حسابرسی داخلی	شرکت الف	۱۴۵	۱۲۶.۹۲	۱۸۴۰۳.۰۰
		شرکت ب	۱۴۵	۱۶۴.۰۸	۲۳۷۹۲.۰۰
		کل	۲۹۰	---	---

جدول ۶. نتایج حاصل از آزمون من_ویتنی (آزمون U) بر اساس کل نمونه

قدرت حسابرسی داخلی	
سؤال ۲	آماره U من - ویتنی
	آماره W ویلکاکسن
	آماره Z
	سطح معناداری (sig)
سؤال ۳	آماره U من - ویتنی
	آماره W ویلکاکسن
	آماره Z
	سطح معناداری (sig)

قدرت حسابرسی داخلی		
۹۹۷۰	آماره U من - ویتنی	سؤال ۴
۲۰۵۵۵	آماره W ویلکاکسن	
-۷۶۷	آماره Z	
.۴۴۳۰	سطح معناداری (sig)	
۱۰۳۴۴.۵	آماره U من - ویتنی	سؤال ۵
۲۰۹۲۹.۵	آماره W ویلکاکسن	
-۲۳۸۰	آماره Z	
.۸۱۲۰	سطح معناداری (sig)	
۳۵۶	آماره U من - ویتنی	سؤال ۶
۱۰۹۴۱	آماره W ویلکاکسن	
-۱۴.۳۱۵	آماره Z	
.۰۰۰۰	سطح معناداری (sig)	
۴۴۹۳	آماره U من - ویتنی	سؤال ۷
۱۵۰۷۸	آماره W ویلکاکسن	
-۸.۴۹۹	آماره Z	
.۰۰۰۰	سطح معناداری (sig)	
۵۳۷۷.۵	آماره U من - ویتنی	سؤال ۸
۱۵۹۶۲.۵	آماره W ویلکاکسن	
-۷.۲۵۷	آماره Z	
.۰۰۰۰	سطح معناداری (sig)	
۵۷۰۳.۵	آماره U من - ویتنی	سؤال ۹
۱۶۲۸۸.۵	آماره W ویلکاکسن	
-۶.۷۸۹	آماره Z	
.۰۰۰۰	سطح معناداری (sig)	
۷۸۱۸	آماره U من - ویتنی	سؤال ۱۰
۱۸۴۰۳	آماره W ویلکاکسن	
-۳.۸۱۸	آماره Z	
.۰۰۰۰	سطح معناداری (sig)	

آزمون‌های مربوط به پرسش‌های دوم تا دهم که مربوط به قدرت واحد حسابرسی داخلی بر تصمیمات وام‌دهی بود به تفکیک گروه مردان و زنان نیز اجرا شد که نتایج یکسانی به دست آمد. همچنین آزمون‌های مزبور به تفکیک گروه‌های دارنده مدرک کارشناسی و همچنین گروه دارنده مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر نیز اجرا شد که نتایج یکسان به دست آمد.

به طور خلاصه یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش و آزمون فرضیه‌ها نشان داد که از نظر مشارکت کنندگان در این پژوهش وجود واحد حسابرسی داخلی در شرکت متقاضی تسهیلات در مقایسه با شرکت متقاضی که واحد حسابرسی داخلی ندارد، عامل مهمی در ارزیابی اعتباری تلقی می‌شود به طوری که شرکت‌های دارای واحد حسابرسی داخلی، نمره اعتباری بالاتری اخذ کرده‌اند. همچنین قدرت واحد حسابرسی داخلی متقاضی، تأثیر مهمی در تصمیمات وام‌دهی از نظر مشارکت کنندگان دارد به طوری که شرکت‌های متقاضی که دارای واحد حسابرسی داخلی قدرتمند (قدمت بیشتر، داشتن برنامه مصوب و رسمی، گزارش به هیئت مدیره و کمیته حسابرسی، استفاده از نرم‌افزارهای به‌روز، دارا بودن گواهینامه‌های حرفه‌ای بیشتر و مشارکت کارکنان آن در برنامه‌های آموزشی) هستند، نمره اعتباری بالاتری اخذ کرده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی فرم‌های اعطای تسهیلات بانک‌های ایرانی توسط ما نشان می‌دهد که حسابرسی داخلی به‌عنوان یکی از سازوکارهای مهم حاکمیت شرکتی در فرم‌های مزبور پیش‌بینی نشده است؛ یعنی در وضعیت واقعی، بانک‌های ایرانی در اعطای تسهیلات بانکی به واحدهای تجاری توجیهی به بودونبود واحد حسابرسی داخلی واحدهای تجاری متقاضی تسهیلات نمی‌کنند. لیکن ما با آموزش ۱۴۵ نفر از مشارکت کنندگان در پژوهش که مسئول اعتبارات یا سرپرست شعبه (معاون شعبه) بودند؛ و آزمایش آن‌ها، مشخص شد که وجود واحد حسابرسی داخلی و همچنین دارا بودن واحد حسابرسی داخلی قدرتمند بر تصمیمات وام‌دهی آن‌ها مؤثر است. مطالعه حاضر بر واحدهای حسابرسی داخلی در شرکت متمرکز است و اولین موردی است که در ایران به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا وجود و قدرت واحد حسابرسی داخلی وام‌گیرنده بر تصمیمات وام‌دهی تجاری تأثیر می‌گذارد یا خیر. در همین راستا بر اساس ادبیات پژوهش و پژوهش‌های قبلی

انجام شده دو فرضیه تدوین شد که بر اساس آن‌ها انتظار می‌رود که وجود واحد حسابرسی داخلی و قدرت واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی داشته باشند. داده‌های پژوهش به کمک پرسش‌نامه از ۱۴۵ شعبه در سطح شهر تهران در سال ۱۴۰۲ گردآوری شد. چون داده‌ها نرمال نبود برای آزمون این فرضیه‌ها، از آزمون من-ویتنی (آزمون U) استفاده شد. در حالت کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج نشان می‌دهد که نمره اعتباری شرکت‌های دارای واحد حسابرسی داخلی بیشتر از نمره اعتباری شرکت‌های بدون واحد حسابرسی داخلی می‌باشد. می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد از نظر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش وجود واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که از نظر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش قدرت واحد حسابرسی داخلی نیز بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد. تحلیل‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که قدمت واحد حسابرسی داخلی، داشتن برنامه مصوب واحد حسابرسی داخلی، خط گزارشگری واحد حسابرسی داخلی (هیئت‌مدیره و کمیته در مقابل مدیران اجرایی)، کاربست نرم‌افزارهای به‌روز توسط واحد حسابرسی داخلی، مشارکت کارکنان واحد حسابرسی داخلی در دوره‌های آموزشی، گواهینامه‌های حرفه‌ای حساب‌رسان داخلی و میانگین سابقه کار کارکنان شاغل در واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبت و معناداری دارند. در حالی که تعداد گزارش‌های صادره واحد حسابرسی داخلی و تعداد کارکنان شاغل در واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر معناداری ندارند. مشارکت‌کنندگان ادعا می‌کردند که کمیت (تعداد گزارش‌ها و کارکنان) نمی‌تواند مؤلفه مناسبی از کیفیت حسابرسی داخلی باشد. تحلیل‌های بیشتر بر اساس زیر نمونه‌های جنسیت (زن و مرد) و تحصیلات (کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر) نیز با نتایج اصلی مطابقت داشت و از یافته‌های پژوهش پشتیبانی می‌کند. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش انجام شده توسط اشناپدر (۲۰۲۱)؛ جیمز (۲۰۰۳) مطابقت دارد. یافته‌های این پژوهش را می‌توان این گونه تفسیر کرد که تصمیمات تجاری وام‌دهی تحت تأثیر شرایط مالی درک شده وام‌گیرنده است. وام‌دهندگان برای ارزیابی وضعیت مالی وام‌گیرنده به اطلاعات مالی متکی هستند. هزینه‌های نمایندگی و ناقرینگی اطلاعات مالی بین متقاضیان وام و وام‌دهندگان بر قیمت و شرایط بدهی تأثیر می‌گذارد (راجان و وینتون ۱۹۹۵). واحدهای حسابرسی داخلی جزو سازوکارهای مهم حاکمیت شرکتی برای کنترل مشکلات

نمایندگی و کاهش ناقرینگی اطلاعاتی بین شرکت‌ها و ذی‌نفعان برون‌سازمانی هستند (گراملینگ و همکاران ۲۰۰۴). وجود واحد حسابرسی داخلی ناظر بر کنترل‌های داخلی، سیستم‌های مدیریت مالی و فرایندهای گزارشگری مالی به حاکمیت شرکتی کمک می‌کند. این نظارت ریسک اطلاعات، ریسک نمایندگی و ریسک نکول وام را کاهش می‌دهد (فرانسیس و همکاران ۲۰۱۲). کارسلو و همکاران (۲۰۲۰) شواهدی ارائه می‌دهد که حسابرسی داخلی ادراک مدیران از ریسک را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، قابلیت اتکای اطلاعات مالی تحت تأثیر قابلیت‌های درک شده حسابرسان داخلی که نظارت را انجام می‌دهند، می‌باشد. وام‌دهنده‌ای که به کیفیت واحد حسابرسی داخلی اطمینان دارد، ممکن است اعتبار بیشتری به نظارت بدهد و به نوبه خود، اتکای بیشتری به اطلاعات مالی داشته باشد. از این رو، یک واحد حسابرسی داخلی قوی باید توسط وام‌دهندگان درک شود تا نظارت بهتری ارائه دهد و بنابراین، باید قابلیت اطمینان مالی را افزایش دهد.

گزارش‌های مالی قابل‌اتکا باید منجر به افزایش اعتماد وام‌دهندگان تجاری به اطلاعات مالی وام‌گیرنده شود. افزایش اعتماد باید اطمینان بیشتری را برای وام‌دهندگان در مورد صحت اعداد اساسی در اطلاعات مالی ارائه‌شده توسط وام‌گیرنده ایجاد کند (کوت و لاثام، ۲۰۰۶). این به نوبه خود، باید ریسک‌های درک شده از وام دادن به شرکت را کاهش دهد و منجر به احتمال بیشتری برای تأیید خطوط اعتباری شود. علاوه بر این، هنگامی که اعتماد وجود دارد، هزینه‌های مربوط به سیستم‌های نظارتی را می‌توان کاهش داد (بایمن و راجان ۲۰۰۲) طبیعتاً این موضوع نیز باید بر تصمیمات وام‌دهی تأثیر مثبتی داشته باشد. این استدلال‌ها نشان می‌دهد که وام‌دهندگان تجاری طرفدار شرکت‌هایی هستند که واحد حسابرسی داخلی دارند و علاوه بر این، واحدهای حسابرسی داخلی قوی‌تر احتمالاً چشم‌انداز متقاضیان را برای دریافت خطوط اعتباری افزایش می‌دهد که یافته‌های تجربی پژوهش حاضر مؤید همین موضوع است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وجود و قدرت واحد حسابرسی داخلی بر قضاوت‌های وام‌دهی تأثیر مثبتی دارد. در همین راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

باتوجه به اینکه در حال حاضر، در بانک‌ها هیچ‌گونه دستورالعمل و آیین‌نامه‌ای در خصوص استفاده از نتایج و عملکرد واحد حسابرسی داخلی در راستای ارزیابی ریسک، اعتبارسنجی و تصمیم‌گیری در خصوص اعطای وام به شرکت‌ها وجود ندارد، به ارکان راهبری بانک‌ها و

مؤسسات اعتباری پیشنهاد می‌شود تا در کنار مؤلفه‌های مالی، مؤلفه‌های مربوط به کیفیت کنترل‌های داخلی و کیفیت واحد حسابرسی داخلی که بر کنترل‌های داخلی متقاضی و به تبعیت آن کیفیت گزارشگری مالی و وضعیت رعایت قوانین و مقررات آن تأثیرگذار است نیز در اعتبارسنجی بهره‌گیرند. هرچند سازمان بورس به تبعیت از قانون ساکس (۲۰۰۲) آمریکا به موجب دستورالعمل کنترل‌های داخلی مصوب ۱۳۹۱/۰۲/۱۶ ارائه گزارش‌های کنترل داخلی را برای ناشران بورسی و فرابورسی الزامی کرده است، اما متأسفانه همه ناشران از شیوه یکسانی برای گزارش درباره کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی که همراه با صورت‌های مالی سالانه اطلاع‌رسانی عمومی می‌شود، استفاده می‌کنند و عملاً محتوای اطلاعاتی این گزارش را از بین رفته است؛ بنابراین توصیه اصلی به سازمان بورس این است که نظارت بیش‌ازپیش بر اجرای دستورالعمل کنترل‌های داخلی به‌ویژه گزارش صحیح درباره نتایج ارزیابی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی به عمل آورند. در این صورت بانک‌ها می‌توانند از این گزارش اطلاعات سودمندی درباره وضعیت کنترل‌های داخلی متقاضی کسب کنند تا آن‌ها را در ارزیابی بهتر ریسک اعتباری کمک کند.

پژوهش‌های پیمایشی دارای محدودیت‌های خاص خود هستند، هرچند همان‌طور که در بخش روش‌شناسی توضیح داده شد از شیوه‌های مختلفی برای کنترل سوگیری‌های احتمالی پاسخ‌دهنده استفاده شده است؛ اما کاهش این سوگیری‌ها به سطح صفر امکان‌پذیر نیست. این پژوهش با کوشش فراوان از ۱۴۵ شعبه بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران گردآوری شده است، بنابراین در تعمیم یافته‌ها به سایر بانک‌ها باید احتیاط کرد.

در دنیا به‌ویژه در آمریکا، ارائه اطلاعات غیرمالی به‌ویژه ارائه اطلاعات درباره کنترل‌های داخلی ناشر برای استفاده کنندگان الزامی شده است (قانون ساکس، ۲۰۰۲) با توجه به این موضوع و نتایج و یافته‌های این پژوهش، به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری پیشنهاد می‌شود، با عنایت به اهمیت و نقش واحد حسابرسی داخلی در کنترل‌های داخلی، نظام حاکمیت شرکتی و کاهش ریسک، در ارزیابی واحدهای مختلف تجاری متقاضی وام، به جنبه‌های مختلف واحد حسابرسی داخلی آن‌ها توجه کنند.

برای انجام پژوهش‌های بیشتر در این حوزه پیشنهاد می‌شود تا نسبت به انجام پژوهش در بانک‌های غیر بورسی نیز استفاده شود، همچنین تأثیر منبع‌یابی (در استخدام، برون‌سپاری یا همسپاری) بر تصمیمات وام‌دهی نیز مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین می‌توان در پژوهش‌های آینده تأثیر ضعف‌هایی که واحد حسابرسی داخلی گزارش می‌کند را می‌توان بر جنبه‌های غیرمالی متقاضیان، مورد مطالعه قرار داد.

فهرست منابع

- Barazandeh, Maryam (2018), the quality of internal audit performance and profit management, master's thesis of Alzahra University's Faculty of Management and Accounting. [in Persian]
- Securities and Exchange Organization, internal control guidelines for issuers admitted to the Tehran Stock Exchange and Iran Foreign Exchange, approved on 2012/05/05 by the organization's board of directors.[in Persian]
- Mennati, Vahid, Barzegari, Omid. (2022). The effect of internal audit performance on reducing perceived risk. *Journal of Financial Accounting Research*, 14(4), 1-28. [in Persian]
- Mennati, Vahid, Zaman, Elahe.(2019), Factors affecting the effectiveness of internal audit, *Experimental Accounting Research*, Volume 9, Number 4(34), 247-270. [in Persian]
- Nikbakht, Mohammad Reza, Rezaei, Zabihollah, Mennati, Vahid (2017) Development of Internal Audit Quality Model, *Audit Knowledge*, Volume 17, Number 69, 57-5. [in Persian]
- Association of Certified Fraud Examiners (ACFE), Occupational Fraud (2022):a Report to the Nations, available at: <https://legacy.acfe.com/report-to-thenations/2022/>.
- Baiman, S. and M.V. Rajan. 2002. Incentive issues in inter-firm relationships. **Accounting, Organizations, and Society** 27(3): 213–238.
- Baker, W.M. and G.M. Cunningham. 1993. Effects of small business accounting bases and accountant service levels on loan officer decisions. **Journal of Business Finance & Accounting** 20(4): 465–477.
- Bandyopadhyay, S.P. and J.R. Francis. 1995. The economic effect of differing levels of auditor assurance on bankers' lending decisions. **Canadian Journal of Administrative Sciences** 12(3): 238.
- Barazandeh, M. (2011). Internal audit quality and earnings management, Master thesis, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. [in Persian].
- Berry, A.J., J.R. Ross, D. Citron, and R. Jarvis. 1984. An investigation of the use of accounting information by US Bankers in the UK. **British Accounting Review** 16(1): 27–55.
- Blackwell, D.W., T.R. Noland, and D.B. Winters. 1998. **Journal of Accounting Research** 36(1): 57–70.
- Carcello, J. V., Eulerich, M., Masli, A., & Wood, D. A. (2020). Are internal audits associated with reductions in perceived risk?. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 39(3),55-73.
- Carcello, J.V., M. Eulerich, A. Masli, and D.A. Wood. 2020. Are internal audits associated with reductions in perceived risk? **Auditing: A Journal of Practice & Theory** 39(3): 55–73.
- Chalmers, K., Hay, D. and Khlif, H. (2018). Internal control in accounting research: A review, *Journal of Accounting Literature*, Volume 42, June 2019, Pages 80-103
- Chin, C.L., W.R. Yao, and P.Y. Liu. 2014. Industry audit experts and ownership structure in the syndicated loan market: At the firm and partner levels. **Accounting Horizons** 28(4): 749–768.
- Chiu, Irish H-Y, 2015, *Regulating (From) the Inside The Legal Framework for Internal Control in Banks and Financial Institutions*, HART PUBLISHING, OXFORD AND PORTLAND, OREGON.
- Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO).2013. Internal Control — Integrated Framework.

- Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO).1992. Internal Control — Integrated Framework.
- Cote, J., and C.K. Latham. 2006. Trust and commitment: Intangible drivers of interorganizational performance. **Advances in Management Accounting** 15: 301–333.
- DeZoort, F.T., T. Holt, and M.H. Taylor. 2012. A test of the auditor reliability framework using lenders' judgments. **Accounting, Organizations and Society** 37(8): 519–533.
- Firth, M. 1980. A note on the impact of audit qualifications on lending and credit decisions. **Journal of Banking and Finance** 4(3): 258–267.
- Francis, B., I. Hasan, M. Koetter, and Q. Wu. 2012. Corporate boards and bank loan contracting. **Journal of Financial Research** 35(4): 521–552.
- Gramling, A.A., M.J. Maletta, A. Schneider, and B.K. Church. 2004. The role of the internal audit function in corporate governance: A synthesis of the extant internal auditing literature and directions for future research. **Journal of Accounting Literature** 23: 194–244.
- Guiral, A., E. Ruiz, and H.J. Choi. 2014. Audit report information content and the provision of non-audit services: Evidence from Spanish lending decisions. **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation** 23: 44–57.
- Gul, F.A. 1991. Size of audit fees and perceptions of auditors' ability to resist management pressure in audit conflict situations. **Abacus** 27(2): 162–172.
- Institute of Internal Auditor (2016), The IIA Research Foundation, International Standards for the Professional Practice of Internal Auditor.
- Institute of Internal Auditors (2013) THE IIA'S THREE LINES MODEL.
- Institute of Internal Auditors (2017) GLOBAL PERSPECTIVES AND INSIGHTS Internal Audit and External Audit Distinctive Roles in Organizational Governanc, Issue 8.
- Institute of Internal Auditors (2017). International Professional Practices Framework, Supplemental Guidance, Model Internal Audit Activity Charter.
- Institute of Internal Auditors (IIA). 2009. International Standards for the Professional Practice of Internal Auditing. Altamonte Springs, FL: IIA.
- Institute of Internal Auditors (IIA). 2010. IPPF Practice Guide: Measuring Internal Audit Effectiveness and Efficiency. Altamonte Springs, FL: IIA.
- Jabbarzadeh Kangarlouei, S. Motavassel, M. and Mohammadzadeh, V. (2013) Evaluation of internal audit effectiveness in Tehran Stock Exchange (TSE), **International Journal of Advances in Management and Economics**.
- James, K.L. 2003. The effects of internal audit structure on perceived financial statement fraud prevention. **Accounting Horizons** 17(4): 315–327.
- Kim, J.B., and B.Y. Song. 2011. Auditor quality and loan syndicate structure. **Auditing: A Journal of Practice & Theory** 30(4): 71–99.
- Kim, J.B., B.Y. Song, and J.S. Tsui. 2013. Auditor size, tenure, and bank loan pricing. **Review of Quantitative Finance and Accounting** 40(1): 75–99.
- Lin, S., M. Pizzini, M. Vargus, and I. Bardhan. 2011. The Role of the Internal Audit Function in the Disclosure of Material Weaknesses. *The Accounting Review* 86 (1):287-323.
- Lowe, D.J., and K. Pany. 1995. CPA performance of consulting engagements with audit clients: Effects on financial statement users' perceptions and decisions. **Auditing: A Journal of Practice & Theory** 14(2): 35–53.
- Lowe, D.J., M.A. Geiger, and K. Pany. 1999. The effects of internal audit outsourcing on perceived external auditor independence. **Auditing: A Journal of Practice & Theory** 18(s-1): 41–44.

- McKinley, S., K. Pany, and P.M. Reckers. 1985. An examination of the influence of CPA firm type, size, and MAS provision on loan officer decisions and perceptions. **Journal of Accounting Research** 23(2): 887–896.
- Mennati, V., & Barzegari, O. (2023). The Effect of Internal Audit Performance on Reducing Perceived Risk. **Financial Accounting Research**, 14(4), 1-28. doi: 10.22108/far.2023.136209.1945. [in Persian].
- Mennati, V., & Zaman, E. (2020). Internal Audit Effectiveness. **Empirical Research in Accounting**, 9(4), 247-270. doi: 10.22051/jera.2018.19821.1998. [in Persian].
- Miller, J.R., and L.M. Smith. 2002. The effects of the level of assurance, accounting firm, capital structure, and bank size on bank lending decisions. **Journal of Accounting, Auditing & Finance** 17(1): 51–71.
- Nikbakht, M. R. Rezaee, Z. and Mennati, V. (2017). Designing Internal Audit Quality Model, **Journal of Audit Science**: 17 (69). [In Persian].
- Prawitt, D. F., Sharp, N. Y. and Wood, D. A. (2012) Internal Audit Outsourcing and the Risk of Misleading or Fraudulent Financial Reporting: Did Sarbanes-Oxley Get It Wrong? **Contemporary Accounting Research** 29 (4):1109-1136.
- Prawitt, D. F., Smith, J. L. and Wood, D. A. (2009) Internal Audit Quality and Earnings Management. **The Accounting Review** 84 (4):1255-1280.
- Rajan, R.G., and A. Winton. 1995. Covenants and collateral as incentives to monitor. **Journal of Finance** 50: 1113–1146.
- Schneider, A. 2010. Do client dependence and amount of audit fees affect lending decisions? **Managerial Auditing Journal** 25(5): 444–457.
- Schneider, A. 2013. Internal auditing and real earnings management. **Journal of Contemporary Issues in Business Research** 2(4): 97–108.
- Schneider, A. 2017. Is commercial lending affected by knowledge of auditor switches from Big 4 firms to regional firms? **Accounting Research Journal** 30(2): 153–170.
- Schneider, A. 2019. Internal audit sourcing: Does it matter to commercial lenders? **Australian Academy of Accounting and Finance Review** 5(1): 41–47.
- Schneider, A., and B.K. Church. 2008. The effect of auditors' internal control opinions on loan decisions. **Journal of Accounting and Public Policy** 27(1): 1–18.
- Schneider, A., and R.J. Ramsay. 2000. Assessing the value added by peer and quality reviews of CPA firms. **Research in Accounting Regulation** 14: 23–38.
- Securities and Exchange Organization of Iran (2012) Internal control rule. [in Persian].
- Taylor, P. 2013. What do we know about the role of financial reporting in debt contracting and debt covenants? **Accounting and Business Research** 43(4): 386–417.
- The United States Congress(2002) Sarbanes-Oxley Act of 2002
- Trpeska, M., A. Atanasovski, and Z.B. Lazarevska. 2017. The relevance of financial information and contents of the new audit report for lending decisions of commercial banks. **Accounting and Management Information Systems** 16(4): 455–471.
- Zhang, Y., F. Sun, and C. Xian. 2017. Does auditor industry expertise affect bank loan costs? **Managerial Auditing Journal** 32(3): 295–324.

